

# رویه‌های دولت نهم پیش به سوی روستاها و خرده مالکان

سیامک احمدی

در دولت احمدی نژاد خطی وجود دارد که معتقد است اولویت با توسعه کشاورزی و توسعه مناطق روستایی است و باید مقدار زیادی از بودجه عمومی و دولت را به این سمت سوق داد. از آنجایی که مالکیت اراضی بعد از دهه ۴۰ - اصلاحات ارضی - عمدتاً خرده مالکی است، در این بخش توسعه موسسات بزرگ از جمله کشت و صنعت های بزرگ کشاورزی مانند کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و کشت و صنعت کارون در خوزستان کمتر مطرح می شود، بنابراین بحث موسسات و بنگاه های کشاورزی زود بازده بیشتر مطرح است.<sup>۱</sup> تاکید زیاد بر روی کمک به زارعین خرده مالک ده و ایجاد اشتغال جدید در روستاها، پرداخت وام با بهره های کم.

از آنجایی که بیشتر کار های عمرانی در روستاها مربوط به آب و زمین می باشد از طرفی دو وزارتخانه نیرو و جهاد کشاورزی متولی آب و خاک کشور می باشند، بنابراین توسعه روستایی و نیز فشار توسعه کشاورزی عمدتاً بر روی دوش این دو وزارتخانه است و ظاهراً دولت بودجه نسبتاً زیادی در اختیار وزارت جهاد کشاورزی و وزارت نیرو و نیز با استفاده از بودجه ۱۸ میلیارد دلاری (۱۸ هزار میلیارد تومانی) در اختیار روستاها گذاشته است. بودجه های فوق بصورت طرح هایی آب و خاک چه در عرصه مطالعاتی و چه در عرصه اجرای سدها، شبکه های آبیاری و زهکشی، طرح های تامین آب کشاورزی، طرح های تامین آب شرب روستایی و شهری، طرح های تامین آب مصرفی صنعت و... بیشتر تاکید بر کاهش تصدی گری دولتی و تحت عنوان واگذاری کار های دولتی به بخش خصوصی و کم کردن هزینه ای دولتی بر اساس برنامه چهارم توسعه و چشم انداز توسعه ۲۰ ساله هزینه می شود.

به نظر میرسد اغلب روستا های ایران از نظر اشتغال بخصوص اشتغال جدید به دلیل ظرفیت معینی که دارند مدتهاست لبریز شده است و امکان توسعه زیاد وجود ندارد و سرمایه گذاری های جدید چه بزرگ و چه کوچک تنها می تواند اشتغال موجود را تثبیت کند و در مناطقی تا حدودی بتواند توسعه بدهد، زیرا آب و خاک هر منطقه مقدار معینی است و قابل توسعه زیاد باصطلاح بی نهایتی ندارد. در این مورد به محدودیت آب و مقدار آن برای کشاورزی، صنعت و شرب باید توجه بیشتری کرد چون مقدار آب چه سطحی - رودخانه ها - و چه زیر زمینی - چاه، قنات، چشمه - اولاً در ایران بسیار محدود است و ثانیاً با یک یا چند سال خشکسالی تمام حساب و کتاب ها بهم می خورد. بعنوان مثال در مناطق سیستان و بلوچستان، استان هرمزگان و بعضی از مناطق جنوبی استان کرمان - جیرفت و کهنوج - و... حدود ۶ تا ۷ سال بود که باران قابل ملاحظه ای نیامده بود و خشکسالی وحشتناکی بر این مناطق حاکم بود، امسال در مناطق زاهدان، خاش، ایرانشهر به مقدار ۱۰۰ تا ۱۵۰ میلی متر بارندگی داشته ایم (منظورم بارندگی های قبل از بارندگی هایی که هم زمان شد با توفان گونو است)، ضمناً در مناطق خشک از جمله مناطق فوق بارندگی در زمان کوتاه و سیل آسا می باشد و زیاد قابل استفاده برای ذخیره سازی نیست.

<sup>۱</sup> شاید شکل گرفتن کارگاه ها و بنگاه های زود بازده در قسمت صنعت نیز ناشی از تفکر روستایی خرده مالکی (تفکر خرده بورژوازی دهقانی) است، که بودجه های کلان از جمله بودجه ۱۸ میلیاردی دولت احمدی نژاد برای چنین بنگاه هایی اختصاص می یابد.

در بیشتر مناطق ایران خرده مالکین و نسق داران ( آنهایی که از تقسیم اراضی ۴۲ زمین گرفته اند) مدتهاست مجبور شده اند فرزندان، بویژه فرزندان ذکور خود را بر سر همان زمین کوچک خود - ۱ تا ۲ هکتاری در مناطق شمالی و ۳ تا ۷ هکتاری در مناطق دیگر - به کار بگیرند و اشتغال نیم بندی را سامان بدهند.

مورد فوق مربوط به نسق دارانی است که زنده هستند. در مورد بقیه که اکثریشان را تشکیل می دهند قطعات کوچک بین وراثت تقسیم شده و وضع بدتری را ایجاد کرده است و اندازه مالکیت ها را بسیار کوچک تر کرده اند. همانطور که می دانیم کوچکی اندازه مالکیت بطور کلی می تواند بهبود کشاورزی به ویژه توسعه کشاورزی را در آینده شدیداً زیر سؤال ببرد. صحبت های فوق در مورد خرده مالکین و نسق داران است، وضع خوش نشینان - که بیش از ۵۰ درصد جمعیت روستا ها را تشکیل می دهد - بسیار بدتر است، آنها مجبور هستند از روستاها

مهاجرت کنند و عمدتاً در مناطق حاشیه ای شهر ها اسکان پیدا کنند ، بدون کار و شغل مطمئن که به قول وزیر کشور دولت نهم تعدادشان به ۷ میلیون نفر می رسد.

بطور کلی آب کشاورزی ، شرب و صنعت در ایران از آب سطحی ( رودخانه ها) و آبهای زیر زمینی ( چاه ها) تامین می شود.

استفاده از آب سطحی و چگونگی بهره بر داری از آن دارای قانونمندی خاص خود است، عدم استفاده علمی از آبهای سطحی می تواند عواقب ویرانگری را برای يك کشاورزی پایدار به دنبال داشته باشد و می تواند تمام سیستم طبیعی و اکوسیستمی مناطق کشاورزی را با خطر نابودی مواجه نماید. بعنوان مثال می توان از فاجعه ای که دارد بر سر دریاچه ارومیه می آید نام برد .

رودخانه های دائمی و غیر دائمی زیادی آب دریاچه ارومیه را تامین می کنند، در سالهای اخیر- ۱۰ تا ۲۰ سال - تعدادی سد بر روی روخانه های فوق برای کشاورزی، شرب و صنعت احداث گردیده است در نتیجه به شدت حجم آب دریاچه ارومیه افت پیدا کرده است، بطوری که در طی دهه اخیر به چندین متر رسیده است و جالب اینکه روز به روز در حال افزایش است و از این جهت متخصصین محیط زیست آنرا خطر ناک پیش بینی کرده اند و گفته اند در صورت ادامه این روند دریاچه ارومیه تبدیل به شوره زاری بزرگی خواهد شد و می تواند به مرگ اکوسیستم این منطقه بیانجامد.

### در مورد فوومات

استفاده از آبهای زیر زمینی ( چاه ها) نیز مانند آبهای سطحی دارای قانونمندی علمی خاص خود است و عدم مراعات این قوانین و قانونمندی ها می تواند بسیار خطرناک برای آینده کشاورزی - حتی آب شرب و صنعت - ایران باشد که تاکنون مقداری از خطر اتفاق افتاده و روند افزایشی آن هر روز بیشتر می شود.

اصولاً بر داشت آب زیر زمینی از مخازن زیر زمینی در هر منطقه ودر هر دشتی باید بر اساس مطالعات دقیق علمی صورت بگیرد، و از همه مهمتر اینکه بعد از مطالعات فوق باید تمام مسئولین از بالاترین مقام تا پائین ترین مقام دولتی و غیر دولتی و بخش خصوصی اکیدا از آن تبعیت کنند و گرنه آن مطالعات علمی نمی تواند مفید باشد، به عنوان مثال اگر مطالعات به این نتیجه رسید که باید مثلاً در دشت قزوین ۲۰۰۰ چاه با ۳ هزار میلیون متر مکعب حفر شود، حفر بیش از این تعداد می تواند ناپداری توسعه آینده کشاورزی و استفاده ناپدار از آب شرب و صنعت را به دنبال داشته باشد.

با کمال تاسف اتفاق فوق در بیشتر دشت های ایران افتاده و در بعضی مناطق این اتفاق - بر داشت بیش از اندازه از آب زیر زمینی - به مرحله بحرانی و خارج از کنترل در آمده است.

بدین صورت که با حفر چاه های غیر مجاز در طی ۲ تا ۳ دهه اخیر مخازن آب زیر زمینی با کاهش آب در سطوح ارتفاعی مختلف مواجه شده است.

راه توده ۱۳۸ ۰۲,۰۷,۲۰۰۷

راه توده ۱۳۸